

Responsibility

A short Supplementary Reading taken from the website of Friedrich-Naumann Foundation

Translated by Dr. Mohammad Ali Hosseini, PhD in Higher Education Administration
Faculty Member, University of Social Welfare & Rehabilitation Sciences

مسئولیت



مترجم: دکتر محمدعلی حسینی

.....دکترای مدیریت آموزش عالی، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

اشاره:

یک مدیر همواره از کارکنان خود انتظار دارد که وقت‌شناس و کوشا باشند، رفتار شایسته داشته باشند، و کارشان را درست انجام دهند. مسئولیت‌پذیری کارکنان همواره یکی از بزرگ‌ترین دغدغه‌های دائمی مدیران بوده است. هیچ‌کس حاضر نیست کار مهمی را به فرد یا افرادی که مسئولیت‌پذیر نیستند بسپارد. در واقع باید گفت که بدون عنصر مسئولیت و مسئولیت‌پذیری، نه تنها همکاری افراد در یک شرکت، بلکه اصولاً هم‌زیستی آدم‌ها در یک جامعه بزرگ بسیار دشوار و چه بسا به کلی ناممکن می‌گردد.

اما مسئولیت واقعاً چیست که این همه در باره‌اش حرف زده می‌شود و همه دست کم در حد حرف خواهان آن هستند؟ من تا به حال مدیری را ندیده‌ام که بگوید کارکنان تحت نظارتش به او گوش‌زد کرده‌اند که مسئولیت‌پذیر باشد. به نظر من دلیل این امر فقط این نیست که مدیران ذاتاً آدم‌های مسئولیت‌پذیری هستند، بلکه بیشتر به این خاطر است که آن‌ها مالک شرکت هستند و برای اموال و شرکت خود احساس مسئولیت می‌کنند. لذا باید گفت که در واقع بین مالکیت شخصی و مسئولیت یک رابطه مستحکم وجود دارد. اما گویا این احساس «مالکیت» الزاماً به مالکیت اموال و دارایی‌های مادی محدود نمی‌شود. مثلاً یک مدیر می‌تواند شرایطی به وجود آورد و کارمندان را تشویق کند که خودشان را مالک تصمیم، فکر، طرح، و نظرات خود بدانند. وقتی کارمند یک شرکت درک کند و عمیقاً باور داشته باشد که بر افکار و تصمیمات و نظراتی که طرح می‌کند مالکیت دارد، در آن صورت در مورد تصمیمات و کارهایش احساس مسئولیت بیشتری خواهد کرد. یادداشت حاضر گر چه به طور مشخص به موضوع مدیریت و شرکت نمی‌پردازد، اما یک بحث عام و اصولی را در زمینه مفهوم «مسئولیت» طرح می‌کند که نه تنها در مورد محیط کار و شرکت، بلکه در سازمانی به کوچکی یک خانواده و به بزرگی یک جامعه هم مصداق دارد. به هر حال، باید مفهوم مسئولیت فردی را به درستی شناخت و جدی گرفت. طبعاً زمانی می‌توانیم به معنای واقعی مسئولیت‌پذیر باشیم که مالک تصمیمات و افکارمان باشیم و این فقط در صورتی امکان‌پذیر می‌شود که تصمیم را آزادانه و با اراده خودمان بگیریم. امیدوارم ترجمه این یادداشت کوتاه کمک کند تا مفهوم مهم «مسئولیت» بهتر درک گردد.

مردم مسئول اعمال خود هستند. آن‌ها پیامدهای ناشی از کارهایی که انجام می‌دهند را می‌پذیرند و با یک سری مقیاس‌ها از قبیل وجدان و معیارهای شخصی خود آن‌ها را می‌سنجند و ارزیابی می‌کنند، که به طرق مختلف قابل توضیح هستند. یک معیار دیگر هم هست که حاصل با هم زندگی کردن در یک جامعه است، و آن مجموعه قواعد و قوانینی است که جامعه برای خود تعیین می‌کند. در کشورهای پیشرفته، این قوانین مدون شده‌اند و به شکلی برابر در مورد همه شهروندان اعمال می‌شوند. اگر شما قانون را نقض کنید، جریمه می‌شوید. اگر به اموال کسی آسیب برسانید، باید آن گونه که قانون تعیین کرده خسارتش را جبران کنید. دادگاه می‌تواند به استناد مسئله مسئولیت فردی، رفتار غیرقانونی را بر اساس قانون جزا مجازات کند.



فرد و مسئولیت

به بیانی دقیق باید گفت که فقط «فرد» است که می‌تواند مسئولیت بپذیرد چرا که فقط «فرد» را می‌توان در قبال اعمالش مسئول شناخت و از او توضیح خواست. بنابراین، بین «خود» و «مسئولیت خود» تفاوتی نیست و این دو به واقع یک چیز هستند.

جامعه‌ای که تشخیص نمی‌دهد هر فرد برای خودش ارزش‌هایی دارد که حق دارد از آن‌ها تبعیت کند، هیچ احترامی برای شأن و مقام فرد قائل نیست و عملاً نمی‌تواند آزادی را بشناسد!
«فردریک هایک»

کلیه اشکال آن چه که مسئولیت جمعی نامیده می‌شود را می‌توان در مسئولیت فردی ردیابی کرد. صحبت از مسئولیت مشترک معمولاً برای پنهان کردن مسئولیت واقعی است.

در عرصه سیاست مسئولیت دادن یک مشکل اساسی است. کسانی که گفته می‌شود «مسئول» هستند کسانی نیستند که پیامدهای ناشی از تصمیمات خود را به طور کامل بپذیرند. حداکثر ریسکی که متوجه ایشان خواهد بود این است که از طریق رأی‌گیری بیرونشان کنند و پیش از موعد بازنشسته شوند و در نهایت این مالیات‌دهنده است که باید مسئولیت تعهدات و بدهی‌ها را بپذیرد. بنابراین، طرفداران آزادی‌های فردی معتقدند که تا حد امکان تصمیمات باید توسط خود شهروندان گرفته شوند، چرا که آن‌ها هستند که مجبورند تبعات تصمیمات را بپذیرند.

مسئولیت و آزادی

آزادی و مسئولیت جدایی‌ناپذیرند. فقط کسانی که در تصمیم‌گیری و عمل آزاد هستند می‌توانند در قبال اعمالشان مسئولیت بپذیرند یا مسئول شمرده شوند. جامعه باید به گونه‌ای باشد که در آن افراد بتوانند برای خودشان تصمیم بگیرند و مسئولیت فردی جزو الزامات بنیادین یک جامعه آزاد است. در یک جامعه مبتنی بر آزادی فردی، درست برخلاف مفاهیم جمع‌گرایانه و روش‌های سوسیالیستی، اگر هم مسئولیتی متوجه جامعه یا دولت باشد در حداقل میزان ممکن خواهد بود.

آزادی یعنی مسئولیت. به همین خاطر است که اکثر آدم‌ها از آن وحشت دارند.
«جرج برنارد شاو»

فقط مسئولیت فردی است که می‌تواند رقابت ایجاد کند؛ و رقابت از عناصر سازنده یک جامعه آزاد است. انسان‌ها تنها زمانی انرژی خود را بر کارهای سازنده متمرکز می‌کنند که در برابر خیر و شر ناشی از اعمالشان از ایشان پاسخ خواسته شود.

اقتصادهای برنامه‌ریزی شده و جوامع سوسیالیستی درست به همین خاطر فرو پاشیدند: در حالی که رسماً همه مسئول همه چیز بودند، هیچ کس مسئول هیچ چیز نبود. امروزه هنوز هم تبعات فاجعه‌آمیز این مسئله احساس می‌شود. فقط اصلاحات صورت گرفته در سیستم‌های سوسیالیستی و حرکت به سمت اقتصاد بازار و جوامع آزاد بود که پیشرفت‌های اقتصادی دهه اخیر را امکان‌پذیر ساخت.

۱. البته این حق فردی نباید لطمه و خدشه‌ای به حقوق اجتماعی و سازمانی دیگران وارد نماید - مترجم.

مسئولیت اجتماعی

در گفتمان سیاسی مرتب به موضوع «مسئولیت اجتماعی» اشاره می‌شود و برای آن جایگاه ویژه‌ای قائلند. بر خلاف کاربرد معاصر این اصطلاح، مسئولیت اجتماعی و همبستگی زادهٔ مسئولیت فردی و نیازمند سطح بالایی از آزادی و رقابت هستند. دولت برای این که «مسئولیت اجتماعی» خود را به نحوی شایسته ادا کند سیستم‌های مختلفی تعبیه کرده و در اختیار دارد، از مزایای بی‌کاری گرفته تا طرح‌های بازنشستگی، که همه آن‌ها از طریق اخذ مالیات یا کمک‌های اجباری تأمین اعتبار می‌شوند.



از آن جا که پیوستن به سازمان‌ها یا نهادهایی نظیر صندوق بازنشستگی یا بیمه بی‌کاری اجباری است، این سازمان‌ها فاقد ویژگی اخلاقی سازمان‌های داوطلبانه‌ای هستند که افراد فعال در آن‌ها بار مسئولیت خود و دیگران را به دوش می‌کشند.

لاپوشانی به جای گردن گرفتن، شعار بر زبان رانده نشده همه دیوان‌سالاران است.
«کارل هاربر»، متفکر سیاسی سوویسی (۱۹۳۱-۱۸۸۲)

در دولت‌های رفاه مدرن، در نهایت هیچ کس مسئول تصمیمات سیاسی در مورد تأمین اجتماعی نیست و این مالیات‌دهندگان و دریافت‌کنندگان خدمات رفاهی هستند که بار تبعات این تصمیمات را بر دوش می‌کشند.

مسئولیت در قبال دیگران

هر فردی می‌تواند مسئولیت دیگران را بپذیرد و نهادهای متعددی هستند که فرد می‌تواند از طریق آن‌ها وظیفه اخلاقی یا قانونی خود را انجام دهد. افراد به طور سنتی از هم‌دیگر پشتیبانی می‌کنند. والدین مسئولیت فرزندان را بر عهده می‌گیرند و دیگر اعضای خانواده به صورت متقابل از هم حمایت می‌کنند. هر یک از اعضای خانواده در شرایط سخت یکدیگر را کمک و هنگام بیماری یا در زمان پیری از هم مراقبت می‌کنند. این مسئله عمدتاً در مورد افرادی صادق است که به دلایل مختلف دیگر در موقعیتی نیستند که بتوانند مسئولیت خود را بپذیرند.

افراد می‌توانند مسئولیت دیگران را به شیوه‌های مختلف، حتی در خارج از حیطه خانواده، بر عهده بگیرند. آن چه اهمیت دارد این است که هر دو طرف مایل به این کار باشند. مسئولیت خود نباید با تلاش‌های خیرخواهانه برای تصمیم‌گیری برای دیگران از بین برود.

مسئولیت و ریسک

در جوامع مدرن، مردم در معرض انواع ریسک‌ها قرار دارند. به عنوان مثال، ممکن است بیمار شوند و به معالجات گران‌قیمت پزشکی نیاز پیدا کنند یا این که شغل یا ثروت خود را از دست بدهند. ابزارهای مختلفی، از جمله طرح‌های بیمه، وجود دارند که این خطرات را پوشش می‌دهند، اما نیاز به حمایت مؤسسات دولتی ندارند^۱. ما باید مسئولیت بپذیریم و در کارهای خود آینده‌نگر باشیم.



۱. در کشورهای توسعه‌یافته علاوه بر دولت، مردم نیز در قبال خود احساس مسئولیت داشته و با مشارکت در سازمان‌های حمایتی، ریسک را در زندگی خود به حداقل می‌رسانند - مترجم.